

مردم بهترین فرد را انتخاب کنند
دیدار مدیران مدرسه عالی شهید مطهری با رهبر انقلابیک آری بزرگ
محمدجواد ظریفستاد و سیما؟
درباره عدم بی طرفی صداوسیمارویکردهای توسعه
در دولت پزشکیان

مسیر دولت آینده چگونه باید به توسعه ختم شود؟

جهانبخش خانجانی
عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران
و معاون سیاسی ستاد انتخابات مرکزی دکتر مسعود پزشکیان

توسعه همه جانبه و پایدار از اهداف اصلی هر کشور در حال توسعه است. ایران نیز با توجه به منابع غنی و استعدادهای بی نظیر خود نیازمند برنامه ریزی دقیق و استراتژیک برای تحقق توسعه ای متوازن و پایدار است. اقتصاد به عنوان ستون فقرات هر جامعه، نقشی حیاتی در توسعه دارد. ایران می تواند از وابستگی به منابع نفتی کاسته و به سمت تنوع بخشی اقتصادی حرکت کند. صنایع دانش بنیان، کشاورزی مدرن، گردشگری و فناوری اطلاعات می توانند موتور محرکه اقتصاد کشور باشند. حمایت از کارآفرینان و ایجاد فرصت های شغلی برای جوانان از اولویت های توسعه اقتصادی محسوب می شود. توسعه اجتماعی به معنای بهبود کیفیت زندگی همه شهروندان و ارتقای سطح رفاه عمومی است. آموزش و پرورش به عنوان یکی از ارکان توسعه نیازمند اصلاحات ساختاری و سرمایه گذاری بیشتر است. بهداشت و درمان نیز باید به گونه ای باشد که همه اقشار جامعه به خدمات بهداشتی مناسب دسترسی داشته باشند. توجه ویژه به حقوق زنان، کودکان و اقلیت ها و مبارزه با فساد و تبعیض از ضروریات توسعه اجتماعی است. فرهنگ غنی و تاریخی ایران، یکی از بزرگ ترین سرمایه های ملی است که باید با حفظ و ترویج آن هویت ملی تقویت شود. هنر، ادبیات، موسیقی و میراث فرهنگی نقش مهمی در این راستا دارند. حمایت از هنرمندان و فرهیختگان و ایجاد بسترهای مناسب برای فعالیت های فرهنگی از جمله اقدامات ضروری در مسیر توسعه فرهنگی است. توسعه سیاسی به معنای تقویت نهادهای دموکراتیک و احترام به حقوق شهروندی است. ایجاد فضای باز و آزاد برای مشارکت همه اقشار جامعه در تصمیم گیری های سیاسی و احترام به قانون و شفافیت از اصول اساسی توسعه سیاسی محسوب می شود. این امر موجب افزایش اعتماد عمومی و تقویت انسجام ملی خواهد شد. ایران با همبستگی و اتحاد می تواند به جایگاهی برسد که شایسته آن است. مسیر توسعه، مسیری چالش برانگیز اما قابل تحقق است. با ایمان به خداوند متعال و اتکا به توانایی های خود، می توان هر چالشی را پشت سر گذاشت و آینده ای روشن و پرامید برای نسل های آینده ساخت. امید است که با تلاش همگانی و برنامه ریزی دقیق شاهد ایرانی آباد و آزاد باشیم. ایران با بهره مندی از منابع طبیعی غنی، نیروی انسانی جوان و تحصیل کرده و موقعیت جغرافیایی ممتاز، پتانسیل های بسیاری برای توسعه در حوزه های مختلف دارد. در ادامه به بررسی دقیق تر هر یک از این حوزه ها و ارائه راهکارهای جامع تر پرداخته می شود.

۱ نوآوری و پیشرفت؛ راهکارها

- ایجاد مراکز نوآوری و فناوری در دانشگاه ها؛ این مراکز می توانند بستری برای تحقیقات علمی و پروژه های نوآورانه باشند و با صنعت در تعامل نزدیک قرار گیرند.
- حمایت مالی از استارت آپ ها و شرکت های دانش بنیان؛ ارائه وام های با بهره کم، تسهیلات مالیاتی و تسهیلات دولتی به استارت آپ ها می تواند به رشد سریع تر آنها کمک کند.
- برگزاری مسابقات و جشنواره های نوآوری؛ این مسابقات می توانند انگیزه ای برای جوانان و محققان باشند تا ایده های خلاقانه خود را ارائه دهند و به مرحله تجاری سازی برسانند.
- ایجاد اکوسیستم نوآوری؛ تشکیل شبکه های همکاری بین دانشگاه ها، صنایع و دولت برای تشویق به تبادل دانش و فناوری.

۲ توسعه و عدالت؛ راهکارها

- توسعه مناطق محروم؛ ایجاد زیرساخت های اساسی مانند آب، برق، گاز و اینترنت در مناطق محروم و روستایی.
- برنامه های اجتماعی و آموزشی؛ ارائه برنامه های آموزشی رایگان برای کودکان و نوجوانان در مناطق کم برخوردار و ارائه بورسیه های تحصیلی به دانش آموزان ممتاز.
- ایجاد شغل در مناطق محروم؛ تشویق سرمایه گذاری در صنایع محلی و کوچک و متوسط و ارائه تسهیلات به کارآفرینان محلی.

۳ فرصت های برابر و منزلت اجتماعی؛ راهکارها

- تدوین و اجرای قوانین حمایتی؛ تصویب و اجرای قوانین سخت گیرانه علیه تبعیض های جنسیتی، قومیتی و مذهبی.
- آموزش حقوق شهروندی؛ برگزاری دوره های آموزشی در مدارس و دانشگاه ها برای آگاهی بخشی به حقوق و وظایف شهروندی.
- تشویق به مشارکت اجتماعی؛ ایجاد فضاهای عمومی برای مشارکت شهروندان در تصمیم گیری های محلی و ملی.

ادامه در صفحه ۳

هموطنانی که مثل
ما عمل نکردید، آرای
خاموش را به صدا
در آورید، برگ برنده
در دست شماست



صدای رای ندادن
شما مردم شنیده شد
اکنون نوبت شنیدن
صدای رای دادن
شماست

پیام کارگزاران سازندگی ایران به شهروندانی که در مرحله اول رای ندادند:

آینده ایران در گرو رای شماست



مخاطب اصلی ۶۰ درصد غایبین انتخابات، حاکمیت است • امروز با وجود بسیج همه امکانات و اعتبارات رئیس مجلس نمی تواند رئیس جمهور شود • هموطنانی که رای ندادید، آنان که به مسعود پزشکیان در هشتم تیر ماه ۱۴۰۳ رای دادند در مقابل شما نیستند؟ در کنار شما هستند. تنها روش ما با شما تفاوت دارد • آرای مسعود پزشکیان نه فقط آرای اصلاح طلبان که رای همه محدوفین از حاکمیت و معترضین به حاکمیت و منتقدین است • صدای پای جنگ طلبان خارجی و ماجراجویان داخلی به گوش می رسد، حاکمیت یک دست در برابر این تهدیدات ناتوان است • تحریم انتخابات روی دیگر سکه تحریم کشور است • صدای «رای ندادن» شما به گوش همه رسید اکنون نوبت شنیدن صدای «رای دادن» شماست • یک دولت اقلیت همراه یک مجلس اقلیت می تواند هر قانونی را بر اکثریت تحمیل کند بدون آنکه نگران مشروعیت خویش باشد • حاکمیت اقلیت می تواند حتی قانون اساسی را به مصلحت اقلیت تغییر دهد و جهان تا زمانی که ایران تن به این تقدیر خود خواسته بدهد هیچ کاری جز تحریم نخواهد کرد که در نهایت ملت را تضعیف می کند نه حاکمیت را • باید به تغییر و تحول آرا، افکار، آرمان ها و برنامه ها دست زد و برای این کار باید از آخرین فرصت استفاده کرد • ما آخرین نسلی هستیم که از اصلاحاتی آرام، تدریجی، مسالمت آمیز و در چارچوب قانون سخن می گوئیم • ما رای خود به دکتر مسعود پزشکیان را تکرار می کنیم اما برای تغییر این رای شماست که سرنوشت ساز است. آرای خاموش را به صدا در آورید

رهنمود

رهبر انقلاب در دیدار تولیت جدید، مدیران و جمعی از اساتید مدرسه عالی شهید مطهری:

مردم بهترین فرد را انتخاب کنند



رهبر انقلاب در دیدار تولیت جدید، مدیران و جمعی از اساتید مدرسه عالی شهید مطهری، میزان مشارکت در مرحله اول انتخابات را کمتر از حد توقع و خلاف پیش‌بینی‌ها خواندند و گفتند: این مسأله عللی دارد که اهل سیاست و جامعه‌شناسان آنها را بررسی می‌کنند. ایشان تصور برخی‌ها را مبتنی بر اینکه هر کسی در مرحله اول رای نداده مخالف نظام است، صددرصد اشتباه خواندند و گفتند: ممکن است عده‌ای از برخی مسئولان یا حتی نظام اسلامی خوش‌شان نباید همان‌گونه که آزادانه این حرف‌ها را می‌زنند اما این ذهنیت که هر کسی رای نداده، متصل به این افراد و این طرز فکر است کاملاً غلط و اشتباه است. آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: خیلی‌ها مشکل و کار و گرفتاری دارند یا به علل دیگر در رای‌گیری شرکت نکردند که ان‌شالله در مرحله دوم اجتماع مردم پای صندوق‌های رای، شوق‌انگیز و مایه آبروی نظام باشد. رهبر انقلاب مشارکت مردم را پشتوانه و مایه سربلندی نظام خواندند و تاکید کردند: هر قدر مشارکت بهتر، صریح‌تر و روشن‌تر باشد، نظام برای تحقق اهداف خود در داخل و پیگیری اهداف در مجموعه امتداد راهبردی کشور از توانایی بیشتری برخوردار خواهد شد که این مسأله فرصت بسیار بزرگی است. ایشان ابراز امیدواری کردند: خداوند توفیق بهترین انتخاب را به مردم عنایت فرماید تا فرد منتخب بتواند اهداف نظام و ملت را محقق سازد. رهبر انقلاب در ابتدای این دیدار، برنامه‌های تحولی مدرسه عالی شهید مطهری را حرکتی ضروری و صحیح خواندند و گفتند: برنامه‌ها باید با حفظ اصول و مبانی و بر حسب نیازهای زمان، نوین‌منتهول شود چراکه حوزه‌های علمیه واقعاً به حرکات جدید نیاز دارند. ایشان با تاکید بر مسأله انضباط و اشراف مدیریتی بر فعالیت‌ها گفتند: مدرسه عالی شهید مطهری می‌تواند مظهر حوزه تهران شود؛ ضمن اینکه به‌عنوان محیطی حوزوی و دانشگاهی باید افرادی را پرورش دهد که علاوه بر علم دارای تقوا و تزکیه نفس باشند.

خبر

نقش سوابق مختلف در عدم تأیید شورای نگهبان

هادی طحان‌نظیف عضو حقوق‌دان و سخنگوی شورای نگهبان در گفت‌گو با شبکه تلویزیونی العالم اظهار داشت: شورای نگهبان در نظام حقوقی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه خطیری دارد. این شورا وظایف مهمی دارد که در قانون اساسی آمده است. آنگونه که ایسنا روایت کرده، وی مهمترین وظایف شورای نگهبان را تطبیق مصوبات مجلس شورای اسلامی اعم از طرح و لایحه با شرع و قانون اساسی، تفسیر اصول قانون اساسی (طبق اصل ۹۸ قانون اساسی) و نظارت بر انتخابات‌های ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری و همه‌پرسی اعلام کرد. این عضو حقوق‌دان شورای نگهبان در پاسخ به سوال مجری این شبکه تلویزیونی درباره اینکه چرا افرادی در یک یا چند دوره احراز صلاحیت نمی‌شوند اما در دوره‌های بعد تأیید می‌شوند، اظهار داشت: در هر دوره‌ای و در هر انتخاباتی، صلاحیت‌های افراد را بررسی می‌کنیم. ممکن است در دوره‌ای ابهامی نسبت به شخصی وجود داشته باشد و در ادوار بعد آن ابهام یا مانع برطرف شده باشد. برعکس آن نیز امکان‌پذیر است؛ یعنی ممکن است اتفاقاتی افتاده باشد که کسی صلاحیتش را از دست داده باشد. بنابراین هر دو مورد در سوابق شورای نگهبان و در ادوار مختلف داریم.

پیام کارگزاران سازندگی ایران به شهروندانی که در مرحله اول رای ندادند:

آینده ایران در گرو رای شماست

رای دهید. آنان که خواهان رای شما هستند باید حق نامزد شدن نمایندگان واقعی شما را هم به رسمیت بشناسند. ما نیز به‌عنوان اصلاح‌طلبان وظیفه داریم با رعایت تداول نسل‌ها نماینده جامعه باشیم و با پوست‌اندازی به مقام وکالت شما چه در دولت و چه در مجلس نائل بیابیم. اما در کشاکشی سخت میان حاکمیت و اصلاحات میان مدافعان نظریه خلافت و نظریه جمهوریت از همان لحظه نگارش قانون اساسی این راه به آسانی طی نمی‌شود: پس از ۶ دوره که رئیس‌جمهوری ایران با اجماع نسبی برگزیده می‌شد در سال ۱۳۷۶ آرای شما نشان داد که با مشارکت ملت می‌توان با بخش‌های رادیکال حاکمیت رقابت کرد و فردی را رئیس‌جمهور کرد تا حاکمیت را تسلیم اراده ملت کند. این اتفاق در سال ۹۲ هم رخ داد و تجربه تلخ سال ۸۸ روشن شد که اراده ملت و بر اراده حاکمیت پیروز است. با وجود این رقابت‌های درون حاکمیت، دولت‌های منتخب ملت را زمین‌گیر کرد اما از نفس نینانداخت. رشد جامعه مدنی، تقویت طبقه متوسط، حمایت از شبکه‌های اجتماعی و شکل‌گیری یک نیروی اجتماعی مقاوم در برابر بنیادگرایی محصول همین دوران است و اکنون بار دیگر فرصتی مشابه پیش آمده است.

جوانان عزیز

ما می‌دانیم که صبر و تحمل شما برای دستیابی به یک زندگی معمولی به سر آمده است. می‌دانیم که شغل، درآمد، رفاه، تفریح بدون مزاحم و از بین رفتن تبعیض در ترقی حق شماس است. ما می‌دانیم که اجبار در تحمیل سبک زندگی و مهار حوزه خصوصی شما را رنجیده خاطر ساخته است. روشن است که نسل شما گاهی نوستالژیک به انقلاب، جنگ، اصلاحات و انتخابات ندارد و شاید حتی از دوم خرداد خاطره‌های نداشته باشید. برای شما تاریخ به پاییز ۱۴۰۱ بازمی‌گردد؛ اما باور کنید که وجود یک دولت اصلاح‌طلب یا حتی جنبشی اصلاح‌طلب که اجازه ندهد دولت‌های اصولگرا یکتاز می‌کنند سبب زنده ماندن این جامعه شده است.

رشد طبقه متوسط بدون دولت هاشمی، تکوین نهاد انتخابات بدون دولت خاتمی و دوری از جنگ بدون دولت روحانی ممکن نبود. همین طبقه متوسط بود که پایه جامعه مدنی را گذاشت و همین جامعه مدنی بود که از صورت احزاب و مطبوعات در دوره خاتمی به شکل شبکه‌های اجتماعی در دوره روحانی پدیدار شد و امروز مهمترین سنگرهای مقاومت مدنی در برابر حاکمیت است.

به‌صراحت بگوییم: اگر امروز صدای اعتراض ۶۰ درصدی شما شنیده می‌شود محصول مستقیم جنبش اصلاح‌طلبانه‌ای است که ربطی به اصلاح‌طلبان ندارد و از بطن جامعه سر برمی‌آورد و حاکمیت که تجربه تلخ سال ۸۸ را در پشت سر دارد نمی‌تواند وجود شما را انکار کند.

اگر امروز با وجود بسیج همه امکانات و اعتبارات رئیس‌مجلس نمی‌تواند رئیس‌جمهور شود (چنان که در سال ۱۳۷۶ هم نتوانست) و شایعه تعیین شدن رئیس‌جمهور نقش بر آب می‌شود و در پایین‌ترین سطح مشارکت هم بالاترین رای به نامزد جبهه اصلاحات تعلق می‌گیرد، نتیجه مقاومت جامعه ایران در برابر اعمال اراده حاکمیت است که حتی بدنه اصولگرایی خود را از دست داده است.

هموطنانی که مثل ما عمل نکردید و رای ندادید!

آنان که به مسعود پزشکیان در هشتم تیرماه ۱۴۰۳ رای دادند در مقابل شما نیستند، در کنار شما هستند. تنها روش ما با شما تفاوت دارد. ما تغییر را با رای می‌خواهیم و شما رای را به تغییر موکول می‌کنید؛ ما اعتراض را با مشارکت نشان می‌دهیم و شما تحریم را نشانه اعتراض می‌دانید؛ ما از حداقل به حداکثر می‌رسیم و شما از حداکثر می‌خواهید به حداقل برسید؛ ما حرف اول را مقدمه حرف آخر می‌دانیم شما حرف آخر را اول می‌زنید!

دوستان عزیز

هم‌میهنان گرامی

تحریم انتخابات پنج نتیجه عملی دارد:

یکم تنبیه حاکمیت و بیسرداری آن از خواب غفلت و تغییر در روند اداره کشور و پذیرش رقابت حداکثری در جامعه و بالا کشیدن خود از سطح منازعات... ما می‌دانیم که تجربه سال ۱۴۰۰ مانع از رذصلاحت‌های گسترده در سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ نشد و این تنبیه حاصل نشد و نظریه حکومت اقلیت نرفته‌ها رد نشد که به کرسی نشست که

با حداقل رقابت و مشارکت حداکثر مطلوبیت برای حاکمیت فراهم آید تا جایی که رئیس‌مجلس با ۴۰۰ هزار رای در انتخابات پارلمانی مدعی ریاست‌جمهوری شد و البته به سه میلیون رای و چهار بار شکست در انتخابات ریاست‌جمهوری همچنان بر کرسی ریاست‌مجلس نشسته است و بر همه و شما حکومت می‌کند و قانون می‌نویسد، درحالی که در یک دموکراسی چنین افرادی باید مستعفی و بازنشسته شوند.

دوم توجه نظام بین‌الملل و نهادهای حقوق بین‌الملل به این وضعیت و دخالت در حاکمیت ملی ایران...

که نه پایه‌ای در حقوق بین‌الملل دارد و نه اگر پایه‌ای داشت حقانیت داشت؛ چه در دموکراسی‌ها نیز سطح مشارکت در انتخابات شکننده است و دیکتاتوری‌هایی نیز در جهان وجود دارند که اساساً نهاد انتخابات ندارند و نظام بین‌الملل حق و توان دخالت در امور آنان را ندارد که اگر داشت مفهومی به نام حاکمیت ملی برجا نمی‌ماند.

سوم قطع ارتباط و همکاری دموکراسی‌های جهان با دولت ایران که باز تولید مفهوم تحریم ایران است...

امیدوی واهی که نافی عزت و شرافت ملی است، چراکه یادآور مطامع، استعماری دولت‌ها در ایران است. دولت‌هایی که معلوم نیست با ملت‌های خود چگونه رفتار و کردار می‌کنند اما در بهترین حالت باید مدافع مصالح و منافع ملی خود باشند؛ همچنان که دولت ایران باید مدافع ملت ایران باشد.

چهارم هجوم و تجاوز و جنگ علیه ایران که به نام تفکیک حکومت از ملت ایران صورت می‌گیرد...

که تاریخ نشان داده است در همه ادوار تجاوز به ایران چه در دوره یونانیان، چه در دوره تازیان، چه در دوره مغولان و نیز روس‌ها و انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها (در شهریور ۱۳۲۰) به شکل‌گیری نهضت‌های مقاومت ملی علیه اشغال و جنگ و تجاوز منجر می‌شود تا از تجزیه ایران جلوگیری کند و برخلاف ادعای متجاوزین نه فقط حکومت که تمامیت ملی ایران را تهدید می‌کند.

پنجم اعتراض و شورش و جنبش در ایران که با توجه به تجربه سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ جز زمینه‌سازی برای جنگ داخلی و افزایش قدرت امنیتی حاکمیت و از دست رفتن فرزندان ایران در هر دو سو و رشد آس و سرخوردگی نتیجه‌ای ندارد و حتی در صورت موفقیت باید پذیرفت که آثار تاریخی انقلاب‌ها (که ما در مرحله آن قرار نداریم) هرگز سازنده نبوده است و عوارض آن بیش از مواهبش است. اعتراض و نافرمانی مدنی هم فقط وقتی موثر است که قواعدی برای اثرگذاری آن در نظام انتخاباتی کشور وجود داشته باشد و تا زمانی که افرادی با ۵ درصد رای می‌توانند حکومت کنند معنایی ندارد.

شهروندان گرامی

تجربه حاکمیت یک‌دست در دولت‌های نهم و دهم و سیزدهم نشان می‌دهد برخلاف نظر برخی روشنفکران نرفته‌ها حاکمیت سقوط نمی‌کند یا تغییر نمی‌کند، بلکه با بحران‌هایی مانند ارجاع پرونده ایران به شش‌سوی امنیت سازمان ملل متحد چند نسل در سایه تحریم و تهدید فنا می‌شوند و توسعه ایران به محاق می‌رود و فقر تحکیم می‌شود و ایران رو به زوال می‌رود.

هموطنان گرامی

تجربه سوریه و لیبی و مصر و یمن و... پیش روی ماست. امروز یمن اسیر جنگی خائن‌سوز است، در مصر پس از یک دوره انقلاب، بار دیگر حکومتی نظامی بر سر کار آمده است که آمریکا و روسیه و ترکیه آن را به رسمیت شناخته‌اند، در لیبی یک دولت واحد وجود ندارد و در سوریه با گذار از جنگ خائن‌سوز داخلی حاکمیت این کشور هیچ آسیبی ندیده است اما سرزمین سوریه به قرون وسطی بازگشته است و ملت آن داغدار برادرکشی است. فاجعه بزرگ‌تر در افغانستان رخ داده است که پس از ۲۰ سال ادعای مبارزه نظام بین‌الملل با طالبان اکنون این فرقه بنیادگرا با موافقت غرب و شرق حکومت را پس گرفته و خلافت و امارت اسلامی را جایگزین جمهوریت اسلام کرده است.

ما می‌دانیم که با گذشت ۲۶ سال از آغاز عصر جدید اصلاح‌طلبی در ایران و ظهور تعارض‌های ذاتی آن شما از رای دادن و نظاره کردن خسته شده‌اید و ترجیح می‌دهید به جای اصلاح‌طلبی تدریجی و حداقلی اگر نمی‌توانید به تغییرات اساسی

ادامه یادداشت روز

رویکردهای توسعه در دولت پزشکیان

۴ روابط بین‌المللی؛ راهکارها

- دیپلماسی فعال و موثر؛ ایجاد روابط دیپلماتیک قوی با کشورهای مختلف و عضویت در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی.
- تسهیل تجارت بین‌المللی؛ کاهش موانع تجاری و تعرفه‌های گمرکی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش صادرات.
- همکاری‌های علمی و فرهنگی؛ برگزاری تبادلات علمی و فرهنگی با کشورهای پیشرفته برای بهره‌گیری از تجارب و دانش‌های جدید.

۵ جوانان و امید به آینده؛ راهکارها

- برنامه‌های کارآفرینی و اشتغال؛ ایجاد برنامه‌های آموزشی و کارآموزی برای جوانان در حوزه‌های مختلف و تشویق به کارآفرینی.
- حمایت از فعالیت‌های ورزشی و فرهنگی؛ توسعه زیرساخت‌های ورزشی و فرهنگی برای ایجاد فضای مناسب برای فعالیت‌های جوانان.
- ایجاد فضاهای عمومی و اجتماعی؛ ساخت پارک‌ها، مراکز فرهنگی و اجتماعی برای افزایش تعاملات اجتماعی و ایجاد حس تعلق در جوانان.

۶ اقتصاد؛ راهکارها

- رفع تحریم و تنوع‌بخشی به اقتصاد؛ توسعه صنایع غیرنفتی مانند گردشگری، کشاورزی مدرن، صنایع دستی و فناوری اطلاعات.
- تقویت بخش خصوصی؛ کاهش مقررات زائد و ایجاد فضای رقابتی برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط.
- توسعه زیرساخت‌های مالی؛ ایجاد بانک‌های تخصصی برای حمایت از صنایع مختلف و تسهیل دسترسی به منابع مالی بین‌المللی.

۷ مدیران کارآمد؛ راهکارها

- آموزش و تربیت مدیران؛ برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی برای مدیران در سطوح مختلف.
- ارزیابی و پایش عملکرد مدیران؛ ایجاد سیستم‌های ارزیابی مستمر برای سنجش کارایی و اثربخشی مدیران.
- تشویق به نوآوری در مدیریت؛ ارائه پاداش‌ها و مشوق‌های مالی برای مدیرانی که از روش‌های نوین مدیریتی استفاده می‌کنند.

۸ شادی و امید به آینده؛ راهکارها

- بهبود کیفیت زندگی؛ ارتقاء سیستم‌های بهداشتی، آموزشی و رفاهی برای افزایش رضایت عمومی.
- ترویج فرهنگ شادی و مثبت‌اندیشی؛ برگزاری جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی برای تقویت حس شادی و امید در جامعه.
- حمایت از فعالیت‌های هنری و فرهنگی؛ تشویق به فعالیت‌های هنری و فرهنگی و ایجاد فضاهای مناسب برای هنرمندان و فرهنگ‌دوستان.

۹ حفاظت از محیط زیست

- کاهش آلاینده‌ها؛ تدوین و اجرای مقررات سخت‌گیرانه برای کاهش انتشار آلاینده‌های صنعتی و خودرویی.
- مدیریت منابع آبی؛ اجرای پروژه‌های مدیریت پایدار منابع آبی، مانند سیستم‌های آبیاری هوشمند و استفاده بهینه از منابع آب.
- حفاظت از جنگل‌ها؛ اجرای برنامه‌های حفاظت و احیای جنگل‌ها و مراتع برای جلوگیری از تخریب محیط زیست و افزایش پوشش گیاهی.

۱۰ سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها

- راه‌آهن سریع‌السیر؛ ساخت خطوط راه‌آهن سریع‌السیر بین شهرهای بزرگ مانند تهران، اصفهان و مشهد می‌تواند حمل‌ونقل را تسهیل و هزینه‌ها را کاهش دهد.
- بندرهای پیشرفته؛ توسعه و تجهیز بندر جنوبی کشور مانند بندر شهید رجایی و بندر چابهار برای افزایش ظرفیت حمل‌ونقل دریایی و تسهیل صادرات و واردات.
- شبکه‌های اینترنت پرسرعت؛ گسترش فیبرنوری و اینترنت پرسرعت در سراسر کشور برای تقویت زیرساخت‌های ارتباطی و افزایش دسترسی به خدمات دیجیتال.
- به طور خلاصه می‌توان گفت، توسعه پایدار و جامع ایران نیازمند رویکردی همه‌جانبه و بلندمدت است که در آن همه بخش‌های جامعه مشارکت داشته باشند. با اجرای راهکارهای پیشنهادی و توجه به نیازها و پتانسیل‌های مختلف کشور، ایران می‌تواند به یکی از کشورهای پیشرفته و پیشرو در جهان تبدیل شود. ایجاد عدالت اجتماعی، احترام به حقوق شهروندی و توجه به نسل جوان از مهم‌ترین عوامل موفقیت در این مسیر خواهند بود.

نیازمند یک آری بزرگ هستیم

محمدجواد ظریف در آخرین روز تبلیغات ریاست‌جمهوری به دو استان کشور سفر و تاکید کرد که جمعه یک بار دیگر به هوایی تازه آری بگوئیم



در آخرین روز تبلیغات کاندیداهای ریاست‌جمهوری ایران، روز گذشته محمدجواد ظریف در مصالای شهر یاسوج در جمع مردم این استان سخنرانی کرد. او مردم کهگیلویه‌بویراحمد را قهرمانان این دیار نامید که این مرزوبوم را در طول هزاران سال تاریخ پرافتخار خود با استقامت، بلندنظری و آینده‌نگری روی پای خود ایستاده است و متجاوزین هیچ‌گاه نتوانسته‌اند این مردم را مغلوب خود کنند.

ظریف با تاکید بر اینکه زنان ما آینده‌سازان این مرزوبوم هستند، آینده‌سازان ما را نباید با گشت ارشاد تحقیر کرد، جوانان آینده ما هستند، نباید این جوانان را با فیلتر کردن و فروختن فیلترشکن تحقیر کرد، گفت: از اصولگرا، اصلاح‌طلب همه در دولت منتخب آینده هستند. تنها ملاک، میزان صداقت، پاکدستی و عقلانیت است. ما با دروغ، دغل و فریب دشمن مخالف هستیم.

ظریف با اشاره به اصولگرایی که در کنار یکی از کاندیداهای ریاست‌جمهوری قرار گرفته‌اند، یادآور شد: افرادی از ستاد قالبیاف را داریم که در تیم ایشان فعالیت می‌کنند چون می‌دانند انتخابات روز جمعه چقدر برای آینده ایران اهمیت دارد، ما با نگاه به آینده نه گذشته برای بهبود شرایط و برای رفع تحریم‌ها تلاش خواهیم کرد. به گفته ظریف این درد مشترک هرگز جدا جدا درمان نمی‌شود، این درد باید با هماهنگی اصلاح‌طلب، اصولگرا و مستقل درمان شود و ما بتوانیم کسانی را که جز تحریم و تحقیر و بیچارگی برای این کشور نداشتند، روز شنبه به خانه بفرستیم.

وزیر امور خارجه دولت‌های یازدهم و دوازدهم با بیان اینکه این هدف وادادگی در برابر غرب نیست، گفت: این هدف استقامت برای حقوق مردم است، ما امت میانه‌ایم، تدروری نشانه ضعف است و میانه‌روی نشانه خودباوری است. ما امت میانه‌ایم و پیامبر بر ما گواه است که همواره در راه مستقیم ایران‌دوستی به همه اقشار، زنان، مردان، روستاییان، بازنشستگان، معلمان و به همه احترام بگذاریم. ما نمی‌خواهیم ایران را پاریس کنیم، خودی و غیرخودی نداریم، همه ایرانی و زیر پرچم پرافتخار ایران هستند.

◀ با خون مردم کاسی کرده‌اند

همچنین در ادامه سفرهای استانی محمدجواد ظریف، او پیش از سفر به یاسوج به شیراز رفت و در جمع هواداران صحبت کرد. او که کمی با تاخیر وارد این استان شده بود، در بدو ورودش دلیل را تاخیر پرواز هوایی‌ما عنوان کرد و گفت: اگر مردم به ما اقبال نشان دهند، بساط تحریم و این تاخیرها را برمی‌چینیم. وزیر امور خارجه دولت‌های یازدهم و دوازدهم خطاب به شعاردهندگان در سالن که شعار «ظریف تحریم‌شکن» سر دادند، افزود: مردم ما تحریم‌شکنان اصلی هستند و نشان دادند که دنیا این ملت را نمی‌تواند تحریم کند و در دهه ۹۰ من زبان ۷۳ درصد مردمی بودم که در انتخابات شرکت کردند و همان جا گفتم هرگز یک ایرانی را تهدید نکنید.

به اعتقاد ظریف، قهرمان اصلی مردم بزرگ ایران هستند که همه تحریم‌ها را به فرصت تبدیل کرده و در برابر همه‌های تاریخی ایستادند. مردم ایران افتخارات خود را ادامه خواهند داد. مردم ایران نماد مقاومت هستند، مردم ایران سختی کشیده و رنجیده‌اند اما از میدان به در نرفته و جمعه نشان می‌دهند که در میدان هستند و رقیب را به خانه خواهند فرستاد.

او در ادامه سخنانش با تاکید بر اینکه رنجش‌های زیادی به ملت ایران تحمیل شده و دختران ما طعم تحقیر را چشیده و پدران و مادران ما در برابر فرزندان شرمسارند، افزود: سفره مردم

و حداکثری دست بزنید خود را از این فرآیند کند کنار بکشید و حتی با تحمل تجربه‌هایی تلخ مانند منازعه در داخل و خارج از ایران دردمندانه به انتظار تحول تاریخی بنشینید. اما تاریخ بدون انسان حرکت نمی‌کند. تاریخ، تقدیر نوشته‌شده‌ای بر پیشانی ما نیست. هیچ فردی یا دولتی بیرون از این میهن دلسوز ما نیست. نه حاکمیت موجود و نه دولت‌های بیگانه و نه سلازمان‌های بین‌المللی به داد ما نمی‌رسند. رای‌دهندگان مسعود پزشکیان در میان همین ۴۰ درصد موجود نشان دادند که می‌توانند در همین فرصت محدود تاریخی و سیاسی به تغییری اساسی دست زنند و خالص‌سازی حاکمیت که هدفی فراتر از استیلا بر قوه مجریه دارد را متوقف کنند و مانع تحقق اهداف یک جناح در ابدی ساختن قدرت خود به نام «کام دوم انقلاب» شوند. آرای مسعود پزشکیان نه فقط آرای اصلاح‌طلبان که رای همه محدودین از حاکمیت و معترضین به حاکمیت و منتقدین به دولت اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا و شهروندانی بود که این دوگانه را پایان یافته فرض می‌کردند.

مسعود پزشکیان انسانی شریف، سیاستمداری پاکدست و نامزدی راستگو است که بدون وعده و وعید و فقط با تکیه بر برنامه احیای نظام کارشناسی کشور توانسته است حداقل ۴۲ درصد از آرای رای‌دهندگان را کسب کند. او در غیاب شما به مرز اکثریت رسید، درحالی که رقیبش با تکیه بر آرای خالص اصولگرایی به مرحله دوم رسیده است. اکنون شما به برگ برنده و بازیگر نهایی انتخابات بدل شده‌اید. همه سرمایه اصولگرایان در مرحله اول انتخابات وارد میدان شد اما سرمایه تحول‌خواهان و تغییرطلبان هنوز پشت در مانده است. دهه‌های آینده دهه سرنوشت ایران است. صدای پای جنگ‌طلبان خارجی و ماجراجویان داخلی به گوش می‌رسد. حاکمیت یکدست در برابر این تهدیدات ناتوان است. برخی اهداف اصولگرایان که با این انتخابات به بنیادگرایان تغییر ماهیت می‌دهند برای آینده ایران خطرناک است. تقلیل جمهوریت نظام به انتخاباتی حداقلی ما را وارد مرحله‌ای از ناکامی می‌کند.

تحریم انتخابات روی دیگر سکه تحریم کشور است. بنیادگرایان تحریم را نه صیبت که نعمت می‌دانند و با توهم خودبسندگی می‌خواهند ایران را به قلعه‌ای با درهای بسته بدل سازند.

ترس یک تکنیک انتخاباتی نیست یک واقعیت ملی است. آثار ترس را باید از شاخص‌های اقتصادی و واکنش‌های مدنی جست. در این مرحله از انتخابات نته‌تها اصلاح‌طلبان که روشنفکران و اقتصاددانان و جامعه‌شناسان و فیلسوفان و شهروندان عادی که نگران حداقل‌های زندگی فرهنگی خود هستند احساس خطر کرده‌اند.

جوانان عزیز

زنان گرامی

مردان محترم

صدای «رای ندادن» شما به گوش همه رسید اکنون نوبت تیدن صدای «رای دادن» شماست. اگر در ۱۵ تیرماه ۱۴۰۳ بنیادگرایان به قدرت برسند دیگر توپ در زمین اصلاح‌طلبان نیست که پاسخگوی وضعیت موجود باشند. یک دولت اقلیت همراه یک مجلس اقلیت می‌تواند هر قانونی را بر اکثریت تحمیل کند بدون آنکه نگران مشروعیت خویش باشند. حاکمیت اقلیت می‌تواند حتی قانون اساسی را نه به سود اکثریت که به مصلحت اقلیت تغییر دهد و جهان تا زمانی که ایران تن به این تقدیر خودخواسته بدهد هیچ کاری جز تحریم نخواهد کرد که در نهایت ملت را تضعیف می‌کند نه حاکمیت را.

اما با بر هم خوردن این حاکمیت یکدست فرصتی برای تغییرات بزرگ‌تر فراهم می‌آید که با حفظ نظم سیاسی، تحولات اجتماعی را نمایندگی خواهد کرد و به اصلاحات قانونی منجر خواهد شد؛ اصلاحاتی نه در سطح که در عمق بدون دخالت بیگانه و با ایجاد تفاهم و توافق میان بدنه اصولگرایی و اصلاح‌طلبی.

هم‌فکران عزیز

نه فقط حاکمیت که اصلاحات هم صدای شما را شنیده است و باید شایستگی نمایندگی شما را برای تغییرات تحولات کسب کند. ما می‌دانیم که دیگر اصلاح‌طلبی موجود پاسخگوی تحول‌خواهی شما نیست. باید به تغییر و تحول آرا، افکار، آرمان‌ها و برنامه‌ها دست زد و برای این کار باید از آخرین فرصت استفاده کرد. ما آخرین نسلی هستیم که از اصلاحاتی آرام، تدریجی، مسالمت‌آمیز و در چارچوب قانون سخن می‌گوییم. بدترین اتفاق و بیراه‌ترین رخداد اما افتادن در دام هر نوع خشونت یا انفعال است. هنوز فرصت اصلاح وجود دارد، تن به انفعال ندهیم. ما رای خود را تکرار می‌کنیم اما برای تغییر این رای شماست که سرنوشت‌ساز است. آرای خاموش را به صدا درآورید

کارگزاران سازندگی ایران

۱۳ تیرماه ۱۴۰۳

دریچه: تحلیل عادات

در محاصره فیک‌نیوزها

آسیب‌های ناشی از اطلاعات نادرست



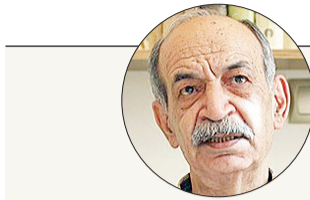
حسن محرابی
پژوهشگر

حتماً با این موضوع مواجه شده‌اید که در خیابان یک نفر جلوی شما را می‌گیرد و آدرس محلی را از شما می‌پرسد، شما با این که اطلاع درستی از آدرسی که می‌پرسد، ندارید اما یک جواب الکی! می‌دهید و مثلاً می‌گویید مستقیم دو خیابان آن طرف‌تر. در عالم واقع این موضوع چندان هم الکی نیست. ارائه ایده اشتباه یا راهنمایی اشتباه و یا ارائه اطلاعات غلط بسیار مضر است و فقط به سرگردانی افراد منجر نمی‌شود. برای دهها، اطلاعات نادرست مبتنی بر عدم دسترسی مردم به حقایق و کمبود اطلاعات بوده اما در دنیای امروز هجوم اطلاعات نادرست، جای کمبود اطلاعات را گرفته است. این امر مشکلات مهم‌تری را به وجود می‌آورد. یکی از مهم‌ترین مخاطرات ارائه اطلاعات اشتباه یا اختلال اطلاعات، این است که یافتن حقیقت را سخت می‌کند هم‌چنین می‌تواند یکی از منابع اصلی گسترش بی‌اعتمادی در جامعه باشد اما درک تفاوت‌های ظریف اخبار جعلی می‌تواند به ما کمک کند آن را بشناسیم و اثرات مضرش را کاهش دهیم

اطلاعات اشتباه چیست؟ به طور کلی، ایده و اطلاعات غلط یک روایت نادرست است که به گونه‌ای منتشر و تبلیغ می‌شود که گویی واقعیت دارد. ارائه اطلاعات در سه بخش قابل توجه است: برخی اطلاعات نادرست را بدون قصد انتشار آسیب بیان می‌کنند. در چنین وضعیتی افرادی که اطلاعات نادرست را منتشر می‌کنند، قبل از به اشتراک گذاشتن آن با دیگران، آن را درست می‌دانند. در بخش دوم افراد ممکن است اطلاعاتی را برای آسیب رساندن یا دستکاری بیان کنند. آن‌ها اطلاعات نادرست را عامدانه اطلاعات واقعی توصیف می‌کنند. بخش سوم هدف‌شان از ارائه اطلاعات نادرست، کسب پول یا تأثیرگذاری و ایجاد آشفتگی فکری است. تکرار و تعدد ارائه اطلاعات نادرست می‌تواند مضر، مخرب و حتی خطرناک باشند. به همین جهت دقت در اطلاعاتی که ارائه می‌شود، ضرورت دارد.

برای درک غلط بودن اطلاعات روش‌هایی وجود دارد که به خلاصه آن اشاره می‌شود: اول اینکه منبع اطلاعات کجاست و آیا آن منبع و منابع آن معتبر هستند؟ اهداف آن‌ها چیست؟ مراجعه به منابع متعدد نیز ضرورت دارد، یعنی فقط نباید به یک منبع بسنده کرد. هر چه بیشتر به منابع اطلاعات مختلف مراجعه شود، احتمال بیشتری برای نتیجه‌گیری دقیق وجود خواهد داشت. نکته مهم بعدی بررسی سوابق نویسنده یا بیان‌کننده مطالب و اطلاعات است. باید جست‌وجو کرد که نویسنده کیست؟ آیا یک نویسنده معتبر است؟ شهرتش در جامعه، چگونه است؟ آیا برنامه فکری و ذهنی خاصی دارد یا صرفاً نظرات شخصی خود را ارائه می‌کند. آیا در حوزه تخصصی خود اطلاعات تولید می‌کند؟

در مجموع اطلاعات نادرست نه تنها می‌تواند منجر به قضاوت و تصمیم‌گیری ضعیف شود بلکه پس از تصحیح استدلال افراد نیز تأثیری طولانی بر طرز تفکر آن‌ها می‌گذارد؛ اثری که به عنوان اثر تأثیر مستمر شناخته می‌شود. از این‌رو مداخلات و اکتشی برای کاهش اثرات اطلاعات نادرست هم‌چنین جلوگیری از پیامدهای آن برای مصرف‌کنندگان اطلاعات و شاغلان در زمینه‌های مختلف از جمله فعالیت‌های عمومی و اداری، بهداشت عمومی، سیاست‌گذاری و آموزش ضرورت دارد. نکته مهم این است که اطلاعات نادرست چنان رواج می‌یابد که حتی اجماع علمی نیز نمی‌تواند با آن مقابله کند. در چنین وضعیتی اطلاعات نادرستی که حتی با حقایق ساده و عینی واقعی در تضاد است نیز پذیرفته می‌شوند! به عنوان مثال، برخی افراد وجود تغییرات آب و هوایی را انکار می‌کنند یا واکنش‌ناهیون را رد می‌کنند، به‌رغم این که از اجماع علمی بر خلاف آن آگاه هستند. این طرد علم نتیجه ناآگاهی صرف نیست بلکه توسط عواملی ناشی از ترویج اطلاعات نادرست مانند: ذهنیت توطئه‌آمیز، ترس‌ها، ضعف در تحلیل و مانند آن هدایت می‌شود. در حقیقت بدون منابع اطلاعاتی قابل اعتماد و دقیق نمی‌توانیم امیدوار باشیم که بتوانیم اقدامات اجتماعی مانند توقف تغییرات آب و هوایی، تصمیمات دموکراتیک یا کنترل یک بیماری همه‌گیر جهانی را درست و کامل انجام دهیم.



علوم از سر آمدان ادبیات داستانی

علی اصغر شیرزادی: محمدعلی علوم‌ی یکی از چهار نفر سرآمد کل تاریخ ادبیات داستانی ماست. علوم‌ی در نوع کار و ژانر کارش به‌رغم ناروایی و نامالایمی روزگار، سرآمد اندوه بود. اندوه افسردگی نیست، پایه خلاقیت است. او این پایه خلاقیت و حقیقت‌طلایی و خلق زیبایی را داشت. بهرام مقدادی منتقد ادبی و کافکاشناس آدم جدی و کم‌حرف بود، درباره علوم‌ی گفت: در چشمان این جوان بارقه نبوغ است.



بیستمین حراج تهران

بیستمین دوره حراج تهران با عنوان حراج «هنر مدرن و معاصر ایران» جمعه ۱۵ تیر ۱۴۰۳ ساعت ۱۷ در هتل پارسیان آزادی تهران برگزار خواهد شد. نام ابوالقاسم سعیدی، قاسم حاجی‌زاده، محمدعلی ترقی‌جاء، فریده لاشایی، صادق ادهم، نصرالله افجه‌ای، خسرو حسن‌زاده، محمود زندرودی، فرهاد مشیری، سیراک ملکونیان، کوروش شیشه‌گران و... در میان هنرمندان این دوره از حراج دیده می‌شود.



تجلیل انوری از حداد

حسن انوری: آقای حداد عادل فرهنگ اسلامی را خوب می‌شناسند و غرب را هم خوب می‌شناسند و دلیلش این است که پایان‌نامه دکتری خود را درباره کانت، یکی از فلاسفه بزرگ غرب نوشته است. نام حداد با زبان فارسی گره خورده و زبان فارسی را از دو جهت رهبری می‌کند، هم فرهنگستان زبان فارسی و هم بنیاد سعیدی که هر دو مسئول پاس‌داشت زبان فارسی هستند.

پایه دموکراسی

بررسی دو مفهوم آزادی از نگاه آیزایا برلین

آیزایا برلین (۶ ژوئن ۱۹۰۹ - ۵ نوامبر ۱۹۹۷)، فیلسوف سیاسی انگلیسی، یکی از برجسته‌ترین متفکران قرن بیستم است و اقبال به او در جهان، چه در میان متخصصان و روشن‌فکران و چه از سوی خوانندگان عمومی در دهه‌های متمادی پیوسته رو به تزاید بوده و نوشته‌هایش راه‌گشای ما در فهم و دست‌وپنجه‌نرم کردن با مشکلاتی در عالم سیاست و جامعه و فرهنگ است که بدون حل یا دست‌کم درک عمیق‌تر آن‌ها، تلاش برای رسیدن به آینده‌ای روشن‌تر بی‌فایده خواهد بود. محور اصلی تفکرات برلین واژه «آزادی» است و آن را به دو مفهوم مثبت و منفی تقسیم‌بندی کرده است. در حقیقت پیش از او چنین تقسیم‌بندی‌ای توسط افرادی چون هگل، کانت، ادمنوند برک و جان دیویی انجام شده بود اما برلین این مفاهیم را دگرگون و تعاریف جدیدی از دو بعد آزادی مثبت و منفی ارائه داد. ستایندهان و منتقدان هم‌داستانند که تمایز برلین میان آزادی مثبت و آزادی منفی هم‌چنان نقطه آغازی اساسی برای بحث‌های نظری درباره معنا و ارزش آزادی سیاسی است.

آزادی مثبت

بنا به درک برلین «خواستار ارباب خود بودن» اساس آزادی ایجابی که از دیدگاه او آزادی خطرناک و فاسدی است، تشکیل می‌دهد. آزادی ایجابی به مفهوم این است که انسان زمانی به آزادی می‌رسد که شرایط خاصی را تأمین کرده باشد. آزادی چیزی است که برای نیل به آن باید تلاش کرد چیزی که انسان باید صلاحیت داشتن آن را به دست آورد بنابراین آزادی امکانی نیست که به همه صرف‌نظر از ماهیت‌شان اعطا شود. بنا به باور برلین این برداشت از آزادی که انسان نخست زمانی می‌تواند آزاد باشد که از پس آزمایش برآمده باشد، نامعقول است. از دیدگاه برلین هیچ‌کس نمی‌تواند آزادی ایجابی را جزو مقولات آزادی بگنجانند بنابراین به جای آن باید بدیش یعنی آزادی سلبی را جایگزین کرد. آزادی سلبی عرصه‌ای را مشخص می‌کند که در آن افراد و گروه‌ها اجازه دارند بدون دخالت دیگران هر طور می‌خواهند باشند یا هر کار که می‌خواهند، انجام دهند.

آیزایا برلین، آزادی مثبت را مبتنی بر خودمختاری عقلانی می‌داند، یعنی آزادی اراده‌ای که بر اساس واقعیت‌های موجود فرد و با انکار بر قدرت عقلانی وابسته به دیگران رقم می‌خورد. پس آزادی مثبت در عمل به معنای پیروی از عموم است که به فرد گفته می‌شود، چگونه باش! در حقیقت آزادی به فرد تحمیل می‌شود. بر مبنای آزادی مثبت همه افراد در نقطه شروع از امکانات برخوردار هستند و آزادی به واسطه چهار عامل صورت گرفته است. نخست آن‌که همه انسان‌ها یک هدف دارند. دوم غایت همه موجودات عقلانی و باید در چارچوب عموم و واحدی هماهنگ صورت گیرد. سوم نزاع اصلی بین اصول عقلانی و غیرعقلانی و چهارم آن‌که وقتی همه انسان‌ها خردگرا باشند از قواعد عقلانی پیروی کرده و این قاعده در همه مردم یکسان است و همه تابع عقل و آزاد هستند.

آزادی منفی

در نگاه برلین، آزادی منفی اساس و پایه دموکراسی است: «آزادی منفی چیزی است که حدود آن را در هر مورد نمی‌توان



به آسانی مشخص کرد. در ظاهر چنین می‌نماید که آزادی منفی به طور ساده همان مختار بودن انسان در گزینش و انتخابی است که در سر هر دو راهی صورت می‌دهد لیکن هر انتخابی از روی اختیار نیست یا دست‌کم درجات اختیار از یک انتخاب تا انتخاب دیگر فرق می‌کند. اگر در حکومت مطلقه فشار شکنجه یا حتی ترس از دست دادن کار باعث شود، من دوستم را لو بدهم انصافاً می‌توانم گفت از روی اختیار عمل نکرده‌ام، معذرت‌شکی نیست که من دست‌کم در عالم نظر می‌توانستم این انتخاب را نکنم و مرگ و شکنجه و زندان را بر سر آن ترجیح دهم؛ پس صرفاً بر سر دو راهی قرار گرفتن به معنی وجود آزادی نیست، گرچه ممکن است کاری که کرده‌ام به خواست خود (در معنی معمول) کلمه انجام نداده باشم. بنابراین حدود آزادی هر کس منوط است به عوامل زیر: الف) تعداد امکاناتی که در برابر او قرار دارد. ب) سهولت یا اشکال دسترسی به هر یک از آن امکانات. ج) درجه اهمیت این امکانات در مقایسه با یکدیگر به لحاظ نقشه‌ای که شخص مفروض برای زندگانی خود دارد. د) تأثیر اعمال دیگران در میزان دسترسی او به امکانات مذکور. ه) ارزشی که نه تنها خود شخص بلکه به طور کلی جامعه‌ای که او در آن زندگی می‌کند برای آن امکانات قائل است. همه این عوامل و ابعاد مختلف باید با هم ملحوظ شود لذا نتیجه به‌دست آمده هیچ‌گاه نمی‌تواند مقرون به وقت و قطعیت باشد. و نیز چه بسا جمع بین انواع و درجات مختلفی از آزادی ممکن نباشد به همین جهت نتوان ملاک واحدی را در سنجش به کار برد باید اضافه کرد که در مورد جوامع مسائلی نیز مطرح است که به لحاظ منطقی بی‌معنی می‌نماید. (چهار مقاله درباره آزادی، آیزایا برلین: ۲۴۸).

آزادی منفی نزد برلین یعنی آزادی عمل و انتخاب بدون مداخله عوامل بیرونی. این آزادی به چهار شرط بستگی دارد که در بالا به آنها اشاره شد در حقیقت رهایی از دخالت خود

سرنانه دیگران آزادی واقعی و در کلام برلین آزادی منفی است که جوهر و اساس لیبرالیسم را تشکیل می‌دهد؛ که می‌تواند به دموکراسی ختم شود.

به هر ترتیب آیزایا برلین انسان را محور و هسته اصلی عقاید خود قرار می‌دهد. او اعتقاد دارد، آدمی می‌تواند در مقابل تاریخ بایستد. انسان آن قدر آزاد و صاحب اختیار است که هیچ قدرتی یارای مقابله با او نیست. در واقع بشر، تاریخ را به زیر دست‌شان خود کشانده و تبدیل به حوزه عمل خویش کرده است. از جمله نکات مشترک در عقاید کارل پوپر و آیزایا برلین تأکید بر همین مسأله است که تاریخ حوزه عمل انسان است. برلین در حالی که به مبحث اصلی خود یعنی تفکیک آزادی مثبت و منفی می‌پردازد سعی می‌کند به طریقی پاسخ مارکسیست‌ها را نیز داده که معتقدند برای رسیدن به آزادی باید جنگید و مبارزه کرد. برلین، آزادی را راهی نمی‌داند که برایش باید تلاش کرد تا به آن رسید چراکه در آن صورت حین مبارزه، افراد اختیار خود را به یک حکومت و یا یک حزب انحصارطلب می‌سپارند تا آنان را به آزادی برساند پس این نمی‌تواند آزادی واقعی باشد. آزادی فرآیندی نیست که برای رسیدن به آن باید طی مراحل نمود پس نتیجه و عملکرد طیفی که در این نبرد وارد نمی‌شود

چیز است؟ آیا آزادی صورت خود را از آنان پنهان خواهد کرد؟ برلین با چنین تحلیل‌هایی به کمونیست‌ها پاسخ می‌دهد که معتقدند برای رسیدن به سوسیالیسم و آزادی باید جنگید. آیزایا برلین با تفکرات خود سعی کرد به طریقی آزادی را به دو شق متفاوت تقسیم کند. از سویی آزادی مثبت وجود دارد که به توتالیترالیسم و استبداد ختم می‌شود و از طرف دیگر آزادی منفی که به لیبرالیسم و آزادی واقعی منجر می‌شود. آزادی مثبت به پیروی از عقل که به تبعیت از دیگران ختم می‌شود و خود پایه‌گذار حکومت‌های فاشیستی است و آزادی منفی که به دور از مداخله خودسرنانه دیگران یا هر فشاری تبیین می‌شود و آزادی واقعی در آن نهفته است.

اصل آزادی منفی چیزی نیست که همیشه در طول تاریخ پاس داشته شده باشد و همواره از سوی گرایش‌های مختلف تمامیت‌خواهانه مورد حمله بوده است. برلین اولین ردپای ظهور آن را در یونان باستان در قرن سوم قبل از میلاد یافته و آن را در برابر روحیه سیاسی جمع‌گرایی که پیش از آن حاضر بود، قرار می‌دهد. او در دوره مدرن نیز به‌ویژه در آثار بنژامن کنستان این مفهوم را در تقابل با مفهوم «آزادی مثبت» می‌بیند که به‌معنای آزادی عمل فرد در شکل‌دهی فعالانه زندگی و شخصیت اخلاقی خود است. برلین در خطابه آغازین معروف خود در دانشگاه با نام «دو مفهوم از آزادی» بیان می‌کند که در جهان امروز ما، نوعی دغل‌کاری نظری که در جمع‌گرایی رومانتیک‌ها ریشه دارد به درک نادرستی از آزادی مثبت منجر شده است. در چنین رویکردی، نوعی «خود واقعی» والا تر از خود روزمره مفروض گرفته شده و جایگزین آن می‌شود و سپس این خود واقعی با مفهومی جمع‌سوی هم‌چون دولت در مقام حامل و حافظ حقیقی آزادی سیاسی یکی پنداشته می‌شود. بر این سیاق، احکام آزادی مثبت نه از جانب افراد که از سوی متخصصان و مسوولانی صادر می‌شوند که مدعی‌اند خواسته‌های «واقعی» ما را بهتر از خود ما می‌دانند.

گزارش سینمای ایران

آیین‌نامه‌ای که محل اختلاف شد

چهار صنف به مفاد آیین‌نامه اکران اجماع اعتراض کردند

چهار تشکل صنفی سینما متشکل از شورای عالی تهیه‌کنندگان سینمای ایران، کانون کارگردانان سینمای ایران، انجمن سینماداران ایران، انجمن بخش‌کنندگان ایران در متنی مشترک اعلام کردند که آیین‌نامه شیوه نمایش سینمایی که منتشر شده بدون نظر نهایی آنان بوده است.

در متن منتشر شده آمده است: بدین‌وسیله به اطلاع می‌رساند، آیین‌نامه شیوه نمایش سینمایی صادره توسط سازمان سینمایی را که در تاریخ ۸ تیرماه با وجود اعلام نظرات انتقادی صنوف مربوطه در ماه‌های گذشته، نسخه نهایی آن بدون مشاهد و نظرخواهی از آحاد و ذی‌نفعان حرفه هنر- صنعت سینما انتشار عمومی یافته، قابل قبول نبوده و امضاکنندگان ذیل مخالفت صریح خود را با برخی از مفاد آن اعلام می‌دارند. بدیهی است روشنگری در باب معایب و مشکلات به زودی توسط اصناف و آحاد سینماگران اعلام خواهد شد». آیین‌نامه اکران سال ۱۴۰۳، جمعه عصر و همزمان با انتخابات ریاست‌جمهوری منتشر شد. اگرچه آیین‌نامه در هفته گذشته نهایی شده بود، اما با اعضای محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی کشور از شنبه ۹ تیر لازم‌الاجرا شد. در این آیین‌نامه موارد مهمی نسبت به اکران سینمایی سال ۱۴۰۳ تغییر داشته است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

در ابتدای این آیین‌نامه و در شرح ترکیب اعضای شورای صنفی نمایش، شیوه انتخاب یک نفر از تهیه‌کنندگان به طور کلی تغییر کرده است. در بند ۴-۴ از ماده ۴، آمده است که یک نفر از تهیه‌کنندگان (مشروط به نظر اجماعی چهار تشکل) عضو شورای صنفی نمایش خواهد شد؛ در صورتی که در گذشته، یک نفر به نمایندگی از شورای عالی تهیه‌کنندگان در شورای صنفی نمایش حاضر می‌شد. این بند پس از اختلافات چند ماه اخیر چهار تشکل تهیه‌کنندگی به آیین‌نامه اکران اضافه شده و سازمان سینمایی امیدوار است که بتواند از طریق آن، اختلافات دامنه‌دار و مسوق به سابقه تهیه‌کنندگان را تا حدی کاهش دهد و موجب وفاق آنها شود. اما انگار همین بند و بندهای مشابه از همین حالا موجب ایجاد ناراحتی در میان اهالی سینما شده است.

در بند دیگری آمده است: سینمای سرگروه موظف است حداقل ۶ سانس متوالی در ۶ ماهه اول و ۵ سانس متوالی در ۶ ماهه دوم سال را به نمایش فیلم اختصاص دهد که آخرین سانس آن از ۹ شب به بعد است. جمله آخر به آیین‌نامه اضافه شده است و به نظر می‌رسد یکی از دلایل آن، جلوگیری از جایگزین شدن تاترهای آزاد به جای فیلم‌های سینمایی در سانس‌ها و فروش شبانه باشد. ضمن آنکه این بند باعث می‌شود هر فیلم در سینمای سرگروه، حداقل سه سانس شبانه و خوب داشته باشد. در بند دیگری اشاره شده؛ بعد از پایان اکران ۷ هفته‌ای فیلم در سینمای سرگروه، اکران آن در سینماهای دیگر تا ۳ هفته بلا مانع است و پس از آن نیز ادامه اکران (پس از ۱۰ هفته)، در پردیس‌هایی با حداقل ۷ سالن، در یک سالن مجاز است. همچنین در سینماهای ۴ و ۵ و ۶ سالنه، در ۳ سانس و در سینماهای ۳ سالنه به پایین در ۲ سانس و همچنین سانس‌های فوق‌العاده تا سقف ۱۴ هفته از آغاز اکران بلا مانع است. بند فوق برای اولین بار به آیین‌نامه اکران اضافه شده است و به نظر می‌رسد با توجه به تعداد پرشمار فیلم‌های کم‌دی در اکران و برای جلوگیری از تک‌زانی شدن سینماها باشد.

در یکی دیگر از بندهای آیین‌نامه اجماع آمده است، ادامه اکران فیلم‌ها پس از ۱۴ هفته در گروه حمایتی فرهنگی و با تأیید سازمان سینمایی قابل اجراء است. طبق این بند، اگر سینمایی بخواهد اکران یک فیلم کم‌دی را به دلیل فروش زیاد، در خارج از زمان اکران آن ادامه دهد، موظف است به ازای آن، یک سالن در اختیار فیلم‌های فرهنگی که در گروه حمایتی اکران می‌شوند قرار دهد. در بند دیگری تأکید شده، پردیس‌های بیش از ۴ سالن، موظف به ارائه خدمات به همه فیلم‌ها اکران هستند. به این صورت که: پردیس‌های ۷ سالنه می‌توانند تا ۳ سالن خود را همزمان به نمایش یک فیلم اختصاص دهند. پردیس‌های ۴ تا ۶ سالنه در صورت ارائه خدمات به همه فیلم‌ها (حداقل یک سانس در دو هفته ابتدایی اکران)، می‌توانند تا ۲ سالن خود را همزمان به نمایش یک فیلم اختصاص دهند و سینماهای ۳ سالن به پایین، امکان نمایش یک فیلم را در بیش از یک سالن نخواهند داشت. این بند نیز برای اولین بار در آیین‌نامه درج شده است. با این بند، هر فیلم متقاضی اکران، حداقل در ۲۵ سینمای تهران اکران می‌شود.

به نظر می‌رسد، همین بندهایی که برای اولین بار به آیین‌نامه اکران اضافه شده‌اند، محل مناقشه میان سینماگران و مدیران سینمایی شده و معلوم نیست، نتیجه این اختلاف به کجا ختم می‌شود.



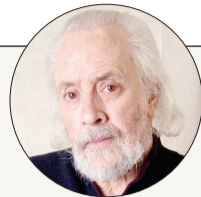
همکاری تری گیلیام با دپ

تری گیلیام در آستانه بازتولید همکاری با دپ کارگردانی پروژه جدیدی با عنوان «کارناوال پایان روزها» با هنرمندی جانی دپ، آدام درایور، جف بریجز و جیسون مومسوا را دارد. این فیلمساز که در چند پروژه آخر نیز با مشکل سرمایه‌گذار مواجه بود، با حضور توانست سرمایه‌گذاری اروپایی برای پروژه مورد علاقه‌اش که احتمال می‌رود آخرین کار او باشد، پیدا کند. او بودجه ساخت فیلم را حدود ۲۰ میلیون دلار تخمین زده است.



ریچارد گر به آژانس پیوست

ریچارد گر به مایکل فاسبندر و جفری رایت در سریال جاسوسی «آژانس» پیوست. «آژانس» اقتباسی از سریال مشهور فرانسوی «دفتر» است و در نسخه انگلیسی‌زبان آن، فاسبندر در نقش یک مأمور مخفی سیا که دستور گرفته تا زندگی مخفی خود را رها کند و به لندن بازگردد، ظاهر می‌شود. وقتی عشق گذشته زنده می‌شود، حرفه، هویت واقعی و مأموریت او در برابر قلبش قرار می‌گیرد.



درگذشت نویسنده محله چینی‌ها

«رابرت تاون»، فیلمنامه‌نویس برنده اسکار فیلم «محله چینی‌ها» که یکی از بهترین فیلمنامه‌های تمام دوران به‌شمار می‌رود، در سن ۸۹ سالگی درگذشت. «محله چینی‌ها» ساخته «رومن پولانسکی» موفق به کسب جایزه اسکار بهترین فیلمنامه اصلی شد و تاون برای فیلم‌های «آخرین مارمونت»، «شامپو» و «گریستروک» نامزد دریافت جایزه شد. او در سال ۱۹۹۷ جایزه یک عمر دستاورد را از انجمن نویسندگان آمریکا دریافت کرد.

ستاد و سیما؟

نحوه اطلاع‌رسانی و برگزاری مناظره‌ها نشانه عدم بی‌طرفی رسانه ملی بود



بیستم خرداد بود که پیمان جبلی رئیس صداوسیما اولین نشست خبری خود را با موضوع تبلیغات نامزدهای ریاست‌جمهوری برگزار کرد که در آن به تشریح و ویژه‌نامه‌های انتخاباتی رسانه ملی پرداخت و درباره برنامه‌هایی که برای نامزدها در نظر گرفته شده، توضیحات داد. این نشست درحالی برگزار شد که هنوز نامزدهای ریاست‌جمهوری تأیید صلاحیت نشده بودند و ظهر همان روز و پس از این جلسه بود که شورای نگهبان اسامی نامزدهای تأیید صلاحیت شده را اعلام کرد. اما نکته مهم این نشست خبری که برای اولین بار هم برگزار می‌شد، این بود که چند خبرنگار از جلی دربار چگونگی بی‌طرفی صداوسیما با توجه به حضور وحید جلیلی به‌عنوان مشاور مدیر رسانه ملی که برادر یکی از نامزدهای اصلی بود، سوال کردند و جبلی به آنها اطمینان داد که هیچ رانتی در این زمینه وجود نخواهد داشت.

رئیس صداوسیما در آن جلسه این‌طور توضیح داد: «آنچه ممکن است به‌عنوان جانب‌داری رسانه ملی به نظر برسد حتماً پنهان نمی‌ماند و آنچه تخلف انتخاباتی باشد حتماً تحت نظر نهادهای نظارتی قرار می‌گیرد. خود ما هم تلاش داریم از این فضا به دور باشیم. با این حال افرادی که شاید این شبانه جانب‌داری را منتقل کنند، نه در جلسات ستاد انتخابات صداوسیما و نه در جلسات روتین حضور ندارند و از عرصه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی برنامه‌های انتخاباتی به دور هستند».

اما از همان روز هم خبرنگاران و هم احتمالاً رئیس سازمان هم می‌دانست نمی‌تواند اینطور که خود تأکید می‌کند، بی‌طرفی را رعایت کرده و از همان ابتدا هم این تصور و پیش‌بینی وجود داشت که حضور وحید جلیلی به‌عنوان قائم‌مقام و مشاور فرهنگی جبلی این سازمان را از رعایت بی‌طرفی و انصاف دور خواهد کرد، به هر حال حضور برادر سعید جلیلی در یکی از مهم‌ترین سمت‌های رسانه ملی به نفع او تمام خواهد شد و آنها از این فرصت نهایت بهره را خواهند برد.

برگزاری مناظره دوم و پیش از آن نحوه انعکاس اخبار تبلیغاتی و سفرهای انتخاباتی دو نامزد مرحله دوم به خوبی نشان داد که مدیران رسانه ملی نتوان در رعایت بی‌طرفی در انتشار اخبار مربوط به دو نامزد نهایی هستند و همواره تمایل مدیران به انعکاس اخبار یکی از نامزدها بیش از دیگری است.

دور اول هم آشکار شده بود. نحوه بستن کادر بسته و تک‌نفره سعید جلیلی تفاوت محسوس با دیگر نامزدها داشت به طوری که اهالی فن و افرادی که دقت بالایی داشتند، متوجه تفاوت کادر بسته او با دیگر نامزدها می‌شدند. در مناظره‌های دور دوم همزمانی که تصویر به دو قسمت میان دو نامزد تقسیم می‌شد، همواره تصویر جلیلی بزرگ‌تر و بسته‌تر از پزشکیان بود و این تفاوت به خوبی خود را نشان می‌داد.

سئوالات مجری در مناظره دوم که خود حدیث مفصلی بود که بلافاصله در شبکه‌های مجازی با واکنش گسترده مواجه شد و بسیاری از مردمی که تماشاگر این مناظره بودند، متوجه شدند که در سئوالات بی‌طرفی رسانه ملی خدشه‌دار شده و مجری در پرسش‌هایی که از دو طرف می‌پرسد، انصاف را رعایت نمی‌کند. پرسش‌هایی که از پزشکیان پرسیده می‌شد برای این نبود که سؤالی را از او مطرح کند، بلکه مجری با سوال‌هایش این نامزد را به چالش می‌کشید، درحالی که در مواجهه با جلیلی چنین وضعیتی حاکم نبود و او در چند مورد پاس گل هم به این نامزد انتخاباتی داد، هرچند که او نتوانست از این فرصت بهره لازم را ببرد.

عدم اختصاص عادلانه زمان پاس‌خوگی به پزشکیان هم مورد دیگری بود که اعتراض بسیاری از تماشاگران دو مناظره را در پی داشت. در ابتدای مناظره دوم مجری چنان از اختصاص زمان بیشتر برای حفظ عدالت به پزشکیان خبر داد که گویی چهار یا پنج دقیقه فرصت بیشتر در اختیار این نامزد قرار داده می‌شود. اما یک دقیقه و ۳۰ ثانیه به او اختصاص داده شده آن هم درحالی که در بخش پایانی مناظره اول، جلیلی تمام‌مدت میان صحبت‌های پزشکیان درحال داد و فریاد بود و وقت او را می‌گرفت، بدون اینکه مجری اعتراضی کند یا اینکه تصمیمی بر قطع صحبت‌های او بگیرد. در مناظره دوم هم مردم شاهد فریادهای مداوم جلیلی میان صحبت‌های پزشکیان بودند اما تایمر پایین تصویر هیچ‌زمان اضافه‌ای برای پزشکیان در نظر نمی‌گرفت و جالب اینجا بود که با وجود صحبت‌های مطول جلیلی، زمان این دو نامزد با هم برابر می‌بود.

با تمامی این اوصاف رسانه ملی در این دوره تلاش کرد، برنامه‌های متنوعی را برای نامزدهای انتخاباتی در نظر بگیرد و در این راستا وقت زیادی هم به هر یک از نامزدها اختصاص داد اما عدم رعایت بی‌طرفی و انصاف رسانه‌ای همه اینها را از خاطر تماشاگران زدود و صداوسیما را به‌عنوان رسانه‌ای منسوب به یکی از نامزدها که به حمایت از او به شکل‌های مختلف محسوس و نامحسوس می‌پرداخت، در اذهان مردم ماندگار کرد.

آش آنقدر شور شد که اعتراض بسیاری از تماشاگران مناظره دوم را در شبکه‌های مجازی برانگیخت به اندازه‌ای که از رسانه ملی به‌عنوان ستاد یکی از نامزدها و «ستاد و سیما» نام برده شد. حتی تعدادی از رسانه‌ها از این سازمان به‌عنوان رقیب دوم پزشکیان و مجری مناظره دوم به‌عنوان یار پوششی جلیلی یاد کردند. هرچند پیمان جبلی روز گذشته از برقراری عدالت در مناظره گفت اما برداشت مردم و حامیان نامزدها خلاف این را نشان می‌دهد.

به‌طور مثال در بخش خبری بیست‌وسوم سه‌شنبه، ۱۲ تیر تصاویری که مربوط به حضور مسعود پزشکیان در میان بازاری‌های تهران بود در یک کادر بسته پخش شد، به طوری که تماشاگر تصور می‌کرد ۵۰ الی ۶۰ نفر دور این نامزد حلقه زدند و به ابراز احساسات می‌پردازند. با اینکه جمعیت زیادی در خیابان به استقبال این نامزد آمده بودند، در تصاویری که از این رویداد در این بخش خبری پخش شد، خبری از این جمعیت نبود و مدیران رسانه ملی تنها به آن کادر بسته بدون اینکه حتی ثانیه‌ای طول خیابان و جمعیت حاضر در آن را نشان دهد و پخش چند جمله از صحبت‌های پزشکیان اکتفا کردند. این درحالی بود که پس از این تصاویر، گزارش سفر انتخاباتی سعید جلیلی به خرم‌آباد پخش شد که در آن از زوایای مختلف جمعیت حاضر در سالن به تصویر کشیده شد؛ بخش زیادی از سخنرانی او از این بخش خبری پخش و حتی گزارشگر صداوسیما در آن شلوغی جمعیت به سراغ جلیلی رفت و با او به مصاحبه پرداخت؛ تازه اینها علاوه بر این بود که تصاویر حضور جلیلی در خودرو و در میان مردم از آنتن رسانه ملی پخش شده و مدت زمان این گزارش با گزارش پزشکیان تفاوت محسوس داشت.

تماشاگری که پای این بخش خبری و بخش‌های دیگر می‌نشست و دسترسی یا تمایلی به دیگر رسانه‌ها نداشت، به خوبی متوجه تفاوت تعداد حامیان این دو نامزد در این گزارش‌ها می‌شد، چراکه این همان نسخه‌ای بود که صدا و سیما برای او نوشته و او هم باید آن را می‌پذیرفت. انگار مدیران سیما از ابتدا عزم خود را جزم کرده بودند که آنچه را که خود می‌خواهند به تماشاگران تلویزیون نشان دهند، نه آنچه در واقعیت اتفاق می‌افتد. آنها باید تصاویر مربوط به تبلیغات انتخاباتی را طوری نشان مردم دهند که اینطور به نظر برسد که طرفداران سعید جلیلی قابل مقایسه با حامیان مسعود پزشکیان نیستند و او در همه سفرهای انتخاباتی مورد استقبال خیل عظیمی قرار می‌گیرد. درحالی که جمعیت استقبال‌کننده از پزشکیان به نصف طرفداران جلیلی می‌رسد.

البته این موضع‌گیری مدیران این رسانه از همان مناظره‌های





دیدگاه: یادداشت روز

رای دادن یا ندادن؛ مسأله این است...

در لزوم تلاش و مبارزه برای احقاق «حق رای داشتن»



شادی تبریزی
عضو شورای سازمان جوانان
حزب کارگزاران سازندگی ایران

با تمام دلزدگی و در اوج فخر سیاسی در برهه همیشه حساس کنونی، کاش فراموش نکنیم که تلاش و مبارزه برای احقاق «حق رای داشتن» و مشروعیت آن، یکی از پایه‌های مثبت بنیان مردم‌سالاری و پایداری به جمهوریت در تاریخ زیست سیاسی انسان است. همچنین با تورق اجمالی تاریخ سیاسی تقاطع مختلف ایران و جهان به این موضوع پی خواهیم برد که عدم مشارکت در حق طبیعی به امید تئیه نظام سیاسی گزینه مناسب و کارآمدی برای راهبرد مطالبه‌گری حقوق مردم نیست، در کجای جهان چنین بوده است؟ اما بی‌شک رای باید منجر به شروع فرآیند سیاسی شود، فرآیندی که به دنبال بهبود کیفیت زندگی مردم باشد و گرنه مشروعیت خود را از دست خواهد داد، فرآیندی که بر عهده حکومت است و در صورت درست اجرا شدن گامی مهم در راستای توسعه و پیشرفت و کاهش التهاب ناراضیاتی خواهد بود. عدم مشارکت در انتخابات، حذف شدن اکثریت مردم جامعه در تأثیرگذاری اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است چون رئیس‌جمهور، رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی، سلامت، آموزش و پرورش و... است. رئیس که کوچک‌ترین تصمیماتش در حوزه‌های مختلف فوق می‌تواند تأثیر زیادی بر زندگی مردم جامعه داشته باشد. حذف شدنی که از آن حرف می‌زنیم هدف خیلی از گروه‌ها از جمله گروه‌های ذی‌نفع در بدنه نظام سیاسی هم خواهد بود. یکپارچگی ملت در فرآیند رای دادن، بیان اراده برای تغییر مثبت و قدرت گرفتن جامعه است و نه تأیید گذشته، اراده و قدرتی که با حضور مستمر به دست می‌آید و باید توسط دلسوزان حاکمیت با تلاش برای تحقق یک چشم‌انداز عقلانی و روشن غنیمت شمرده شود. بی‌شک ما مردم ایران چه در انتخابات شرکت کنیم چه نه، ایران را دوست خواهیم داشت و مهم، تجلی این مهر آگاهانه در سعادت ایران و مردمانش است.

یادداشت روز

به‌خاطر روزهای بهتر

در اهمیت شرکت برای انتخاب رئیس دولت چهاردهم



محسن میرزایی
عضو شورای سازمان جوانان
حزب کارگزاران سازندگی ایران

از زمانی که اولین اجتماعات بشری شکل گرفت، اگرچه بشر همواره به دنبال آن بود تا با کم‌ترین هزینه، زندگی مادی‌اش را تأمین کند اما همواره عده‌ای محدود بر اکثریت افراد اجتماع سلطه داشته‌اند. آنان ابتدا خود را صاحب جان و مال مردم می‌دانسته و مردم نه تنها حق اعتراض نداشتند بلکه این مدعا را باور داشتند. اما بشر از این مرحله و پندار گذر کرد و برای اولین بار در روم باستان مجلس سنا تشکیل شد و عده کمی از اشراف در کنار پادشاه حق تصمیم‌گیری داشتند. این نیز گذشت و برای اداره کشور در کنار پادشاه، مجلس‌هایی از منتخبان مردم تشکیل شد و به نوعی می‌توان گفت رفته‌رفته سهم عامه مردم از قدرت بیشتر شد و کار تا جایی پیش رفت که در روزگار حاضر رئیس‌جمهور توسط مردم انتخاب می‌شود. باید واقع‌نگر بود که زندگی مردم از نظر بسیاری از صاحبان قدرت در طول تاریخ، ارزشمندنی چندانی نداشته و بشر هزینه تصمیم‌های اشتباه دیگران را با عمر و جان خود پرداخته است. برای ما مردم این محدوده از جغرافیا چند هزار سال زمان برده است که به این مهم برسیم که تأثیر حداقلی در تصمیم‌های کلان‌کشوری داشته باشیم. از اول انقلاب تاکنون انتخابات‌های زیادی برگزار شده است. اگر این امر بی‌اثر بود، چرا مردم همان دو دهه اول انقلاب متوجه بی‌اثری‌اش نشدند؟ چنانکه بسیاری از تحریم‌کنندگان انتخابات نیز بر این اذعان دارند که دولت‌های مختلف عملکرد و نتایج متفاوتی داشته‌اند. به تحریم‌کنندگان جوان و نوجوان یادآور می‌شوم که مشارکت یا عدم مشارکت شما منجر به انتخاب فردی می‌شود و تبعات این تصمیم و انتخاب خواناخواه چهار سال از بهترین روزهای زندگی‌تان را همراهی خواهد کرد؛ این درحالی است که تقریباً هیچ‌یک از افراد صاحب رسانه‌ای که در آتش عدم مشارکت می‌دمند با تبعات این آتش روبه‌رو نخواهند شد. پس چه بهتر که با مشارکت در انتخابات شرکت کنیم، نه با عدم مشارکت.



تغییر چندوجهی

مجید رضاییان: انتخابات و شرکت در انتخابات و افزایش مشارکت، یعنی همگی آگاه باشیم که تغییر را می‌خواهیم به‌عنوان یک خواسته و مهم‌تر از آن به‌عنوان یک نیاز. مشارکت یک نوع خواسته است اما رفتن به سمت تغییر می‌شود یک نیاز. پس مشارکت برای ایجاد آن نیاز دارای اهمیت است. نگاه ما هم نگاه دورانی است. چون تغییر را خطی نمی‌دانیم و آن را چندوجهی می‌دانیم.



حل پایدار مسائل

محسن حاجی‌میرزایی: حل پایدار مسائل نیازمند توانایی در ساختن توافق است. امید که حضور حداکثری مردم در پای صندوق‌های رای در روز پانزدهم تیر و انتخاب اصلاح راهگشای این ملت قدرتمند، مقاوم، صبور و سرافراز باشد و بار دیگر شور و شعور و نشاط و امید به آینده که بستر اصلی خلایقیت، نوآوری، سخت‌کوشی و تلاش برای ساختن ایران است در میان نسل نو قوت گیرد.

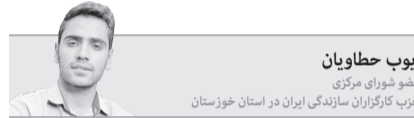


مشق ارتقای دموکراسی

صالح نقره‌کار: همه کارگزاران عمومی و رسانه‌ها باید به اراده اکثریت احترام بگذارند. همه ایرانیان محترم هستند و باید با هم مشق ارتقای دموکراسی با احترام به حقوق شهروندی و معیارهای اخلاقی کنیم. همه فرآیند انتخابات و بازیگران آن باید مشق اخلاق کنند و برنده و بازنده در آشنی و صلح برای مردم جان‌فشانی وطن‌پرستانه کنند و دست خدا همواره با ایرانیان است.

برای صیانت از ایران

فردا در انتخابات شرکت کنیم و اجازه ندهیم توفان‌های ناامیدی، امید ما را از بین ببرند



ایوب حطاویان
عضو شورای مرکزی
حزب کارگزاران سازندگی ایران در استان خوزستان

انتخابات هفته پیش نشان داد که میان حاکمیت و بخش بزرگی از جامعه شکاف عمیقی افتاده است. این شکاف برخاسته از چندین عامل بلندمدت است که در این نوشتار نمی‌خواهم به آنها بپردازم. با این حال لازم است، گفته شود که درصد آراء مشارکت چشم‌هر بازیگر سیاسی داخلی که خواهان دیدن حقیقت نبود را بینا کرد و زنگ هشدار را در ذهن تصمیم‌گیران سیاسی کشور به صدا درآورد. محوریت این نوشتار پرداختن به مسأله اهمیت شرکت در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری پیش‌رو است. انتخاباتی که شمایک کلی دو جریان اصلی و دو تفکر متفاوت است. دو تفکری که در دو منتهی‌الیه یکدیگر قرار دارند. یکی قائل به اصلاحات و بازسازی روندهای داخلی است و دیگری بر استمرار وضعیت موجود و گفتمان‌های ایدئولوژیک تأکید دارد. یکی امنیت را در بستر موسع آن می‌بیند و دیگری امنیت سخت را بر امنیت نرم اولویت می‌دهد. یکی قائل به نشستن پشت میز مذاکره و احیای قدرت دیپلماسی ایران است و دیگری بر مفهوم خودتکلی و تنها رابطه با شرق پافشاری می‌کند. در هر صورت انتخابات پیش‌رو به معنای واقعی کلمه انتخاب تفکری

خاص از میان این دو جریان برای مدیریت و رهبری ایران در این بزنگاه تاریخی است که با چالش‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی پیچیده‌ای روبه‌رو است. درک چرایی عدم حضور قشر بزرگی از جامعه در این انتخابات، کار چندان سختی نیست. در بعضی موارد دلایل قابل توجهی هم در این زمینه آورده می‌شود که ذهن را به تفکر وامی‌دارند. اما همان‌گونه که محسن رضایی در آخرین یادداشت خود نوشت: «انسان رشد یابنده، انسان آنباشته از آمیدی است که می‌کوشد در زندگی خود فرصت انتخاب را به خلق امکان تبدیل کند. جامعه توسعه‌یافته نیز جامعه‌ای است که همواره می‌کوشد، فرصت انتخاب را به خلق امکان تبدیل کند». زمان فعلی، زمان خلق بهترین امکان از آخرین روزنه‌های فرصت انتخاب به جا مانده است. کسانی که در این کشور زندگی می‌کنند و کاملاً با مشکلات و چالش‌های امروزه ایران آشنا هستند نباید دست به خودتربیمی بزنند و از این فرصت انتخاب به راحتی بگذرند. تردید بسیاری از مردم در زمینه رای دادن یا ندادن نشان‌دهنده دغدغه آنها در قبال وضعیت فعلی ایران است. چنین دغدغه‌هایی استحقاق این را دارند که شنیده و به کار گرفته شوند. حضور افراد دغدغه‌مند در انتخابات و رای دادن به جریانی که خواهان تغییر وضعیت موجود است هیچ‌گونه منافاتی با مبارزه برای احقاق حقوق ندارد. رای این افراد به معنای نادیده گرفتن گذشته و پذیرش شرایط نیست،

بلکه گامی است در راستای تغییر همچنین پیشگیری از وقوع حوادث گذشته در سال‌های آینده. به همین جهت به عقیده این نویسنده، عدم رای منتج به تغییر سودمند نخواهد شد بلکه در زمان حاضر نتیجه‌ای جز استمرار وضعیت موجود و به ورطه کشیده شدن هرچه بیشتر مردم ایران در مشکلات گوناگون نخواهد داشت. عدم حضور و رای ندادن، یعنی موافقت غیرمستقیم و ناخواسته با تفکری که مسبب این ناراضیاتی‌هاست. رای ندادن یعنی انداختن غیرحضور تعریفه رای در صندوق به نفع جریان سنتی و بسته‌ای است که هیچ خواستی برای تغییر و اصلاح ندارد. از سوی دیگر رای دادن، به‌ویژه در زمان فعلی، حکم کنش‌گری سیاسی و اجتماعی موثری را دارد که به واسطه آن می‌توان به تقابل با تدریج و افراط‌گرایی پرداخت. ایران در این بزنگاه تاریخی نیازمند آرامش است، نیازمند پزشکی است که جراحات گذشته را التیام بخشد و آن را برای یک خیزش قدرتمند مهیا و آماده کند. به همین جهت باید از فرصت پیش‌رو نهایت استفاده را کرد و اجازه نداد توفان‌های ناامیدی، امید ما را از بین ببرند. آمیدی که نیروی موتور محرکه ما برای ساختن آینده‌ای روشن و پرفرست است. بیاید جمعه، پانزدهم تیرماه صندوق‌های رای را تجلی خواسته و حتی ناخواسته‌های خود قرار دهیم و آنها را با امید پر کنیم. برای حفظ جمهوریت همچنین صیانت از ایران، صندوق‌های رای را با امید پر کنیم.

برای تحقق خواسته‌های مطلوب ملی

در آستانه دور دوم چهاردهمین انتخابات ریاست‌جمهوری



مریم اسماعیلی‌پور
عضو شورای مرکزی
حزب کارگزاران سازندگی ایران در استان گیلان

در ایران، بنا به اصل ۱۱۷ قانون اساسی رئیس‌جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود اما هر گاه در دور نخست هیچ‌یک از نامزدها چنین اکثریتی به دست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رای گرفته می‌شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آراء بیشتری داشته‌اند شرکت می‌کنند ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آراء بیشتر از شرکت در انتخابات منصرف نشوند از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رای داشته‌اند برای انتخاب مجدد معرفی می‌شوند. قانون انتخابات ریاست‌جمهوری مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی، شرایط رای‌دهندگان در انتخابات ریاست‌جمهوری را نیز مشخص کرده است. تا امروز ۱۴ دوره انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شده است. میزان مشارکت مردمی در انتخابات ریاست‌جمهوری به ترتیب در دوره نخست ۶۷/۴، دوره دوم ۶۴/۲، دوره سوم ۷۴/۳، دوره چهارم ۵۴/۸، دوره پنجم ۵۴/۶، دوره ششم ۵۰/۷، دوره هفتم ۷۹/۹، دوره هشتم ۶۶/۸، دوره نهم ۵۹/۸، دوره دهم ۸۴/۶، دوره یازدهم ۷۲/۷، در دوره دوازدهم ۷۳ و در دوره سیزدهم ۴۸/۸ و در دور اول انتخابات اخیر ۴۰ درصد بوده است.

در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی ایران، حضور مردم در انتخابات به نوعی میزان مقبولیت حاکمیت در افکار اجتماعی را نشان می‌دهد. به عبارتی برای نظامی که مدعی پیدایش و پیش‌خود براساس خواست اکثریت است، کاهش مشارکت یک پیام واضح برای تغییر و اصلاح تلقی می‌شود. با این مقدمه ما در بحرانی‌ترین وضعیت روابط بین مردم و حاکمیت طی سال‌های بعد از انقلاب قرار گرفته‌ایم. رخوت ناشی از این شرایط براساس آمار رسمی منتشر شده طی سه انتخابات اخیر نمایان بوده است. بررسی آمارهای غیررسمی پژوهش‌گران حوزه اجتماعی قبل از انتخابات هشتم تیرماه، رشد اندکی را در امتداد انفعال مردم نشان می‌داد. فارغ از نیاز به افزایش سطح مشارکت که مطلوب ماست، بخشی از این آرا بی‌توجه به دعوای متداول به سبب نامزدی ریخته می‌شود که زندگی‌شان را بهتر کند. پزشکیان یا جلیلی؟ بالا گرفتن تنش بین ایران و اسرائیل با حمله مستقیم ایران به خاک اسرائیل و مشارکت نکردن آمریکا در پاسخ به این حمله نشان داد، تصور اینکه مردم با عدم مشارکت، اعتراض خود را به جامعه بین‌المللی نشان داده و باعث بحران داخلی نظام و در نهایت سقوط رژیم خواهند شد از اعتبار ساقط است. اوضاع کشور با سطح بالایی از تنش داخلی و با تحریم و حمله خارجی به سمت بهبود پیش نخواهد رفت. ساختار سیاسی ایران باید از داخل نظام با اجماع نیروهای موجود و مجموعه‌ای از توافقات بین نیروهای سیاسی اصلاح شود.

تحریم انتخابات، مردود دانستن شرکت در انتخابات توسط گروهی از واجدان شرایط رای دادن است که هر یک به دلایلی از رای دادن خودداری می‌کنند. از سال‌های ابتدایی انقلاب همواره هموطنانی بوده‌اند که با نمایشی خواندن انتخابات یا حتی با این تحلیل که عدم مشارکت‌شان نشانه همراه نبودن با سیاست‌های جریان حاکم برآمده از تحولات سال ۱۳۵۷ بوده در انتخابات شرکت نکرده‌اند. اما به طور ویژه طی سال‌های اخیر، استفاده از تحریم انتخابات توسط جریان‌های خارجی بوده که از اعتراضات به حق مردم برای تحقق خواسته‌های مطلوب ملی در راستای منافع دیگران به وضوح قابل مشاهده است. این تحریم در راستای منافع جریانی در داخل حاکمیت است که با حضور مردم، جایگاهی در سیاست‌گذاری‌های کلان ندارد. بعد از انتخابات ۱۳۸۴ این جریان با ورود به مراکز تصمیم‌سازی، جلوی حرکت به سمت منافع ملی ما را گرفته و در همراهی با تحریم انتخابات توسط مردم به جایگاه تصمیم‌گیری رسیده است. جامعه متکثر ایران، علاوه بر تکرر قومیتی از مجموعه‌ای نُرد و کلان با وابستگی گروهی و منافع جریانی شکل گرفته که منافع ملی مورد توجه آنها نبوده و نیست. جریانی که به‌سادگی دروغ می‌گوید، رای می‌کند و با شعارسازی و بیان مطالب غیرواقع به تصمیم‌گیری در جهت گسترش ناراضیاتی مردم مشغول است. پرسش اینجاست؛ مردم در دوراهی پزشکیان و جلیلی، ایران را به کدام‌شان خواهند سپرد؟

